

تعليقه بر

اساس الاقتباس

خواجہ نصیر الدین طوسی

1. متن اساس الاقتباس
سید عبدالله انوار



فهرست

صفحه همن صفحه تعلیمه

۱۱	پیشگفتار
۱۷	خطبه
۱۸	مقدمه
۱۸	ابتداي سخن در منطق
۲۱	مقالات اول
۲۱	در مدخل منطق که آنرا ايساغوجي خوانند
۲۲	فن اول: در مباحث الفاظ
۲۲	فصل اول: در كيفيت دلالت الفاظ بر معانى
۲۳	فصل دوم: در نسبت الفاظ با معانى
۲۶	فصل سوم: در قسمت الفاظ
۲۸	فن دويم: در مباحث کلى و جزوی
۲۸	فصل اول: در تعریف کلى و جزئی
۲۸	فصل دوم: در حمل و وضع
۲۹	فصل سیم: در فرق میان کل و کلى و جزو و جزوی
۳۰	فصل چهارم: در دیگر معانی لفظ کلى
۳۱	فن سیمود: در مباحث ذاتی و عرضی
۳۱	فصل اول: در معرفت ذاتی و عرضی
۳۲	فصل دويم: در اقسام ذاتی
۳۲	فصل سیم: در اقسام عرضی
۳۳	فصل چهارم: در اقسام مقول در جواب ماهو
۳۵	فن چهارم: در مباحث کليات خمسه
۳۵	فصل اول: در تعریف کليات خمسه
۳۶	فصل دوم: در مراتب اجناس و انواع

فصل سیوم: در احوال فصول
فصل چهارم: در بیان حال خاصه و عرض عام
فصل پنجم: در احوال این کلیات پنجگانه
مقالات دویم	
در مقولات عشره و آنرا قاطیغوریايس خوانند
فصل اول: در ابتداء سخن در مقولات
فصل دویم: در معرفت موضوع
فصل سیم: در تعریف جوهر و بیان انواع و فرق میان جوهر و عرض
فصل چهارم: در تعریف کمیت و بیان انواع و اقسام او
فصل پنجم: در معرفت کیفیت و بیان انواع و اقسام آن
فصل ششم: در معرفت مقوله مضاف و انواعش
فصل هفتم: در شش مقوله باقی
فصل هشتم: در معرفت اقسام تقابل
فصل نهم: در اقسام تقدم و تأخیر و معیت
مقالات سیوم	
در عبارات
فن اول در معرفت اقوال جازمه و احوال انواع و اصناف قضایا
فصل اول: در اصناف دلالات و احوال مدلولات
فصل دوم: در تعیین قول جازم و چگونگی تأليف از الفاظ مفرد
فصل سیوم: در ذکر اثبات و نفي و ایجاد و سلب به حسب این موضع
فصل چهارم: در اقسام قضایا
فصل پنجم: در اقسام شرطیات
فصل ششم: در وحدت و کثرت قضایا به حسب اعتبار اجزاء آن
فصل هفتم: در نسبت اجزای قضایا با یکدیگر
فصل هشتم: در چگونگی تعلق صدق و کذب به قضایاء شرطی و اجزای آن
فصل نهم: در خصوص حصر و اهمال قضایا
فصل دهم: در تحصیل مفهوم قضایا و تلخیص اجزاء آن
فصل یازدهم: در بیان تقابل و تضاد و تداخل و تناقض قضایا
فصل دوازدهم: در قضایاء محصله و معدولیه و عدمیه و تلازم آن
فصل سیزدهم: در تلازم شرطیات
فصل چهاردهم: در بیان تلازم و تباین قضایاء به اعتبار استوا و انعکاس اجزاء و مقابلات اجزاء
۵۲	۹۷

فصل پانزدهم: در قضایا منحرفه و محرفه
فصل شانزدهم: در رد بعضی قضایا با بعضی
فن دویم: در جهات قضایا و اعتبار آن در ابواب تناقض و عکس و آنچه به آن تعلق دارد
فصل اول: در معنی جهت و فرق میان ماده و جهت و تعیین موضع جهت قضایا
فصل دویم: در معنی ضرورت و امکان و اعتبار آن در ذهن و خارج و فرق میان ضرورت و دوام
فصل سیم: در اصناف ضروری و دائم
فصل چهارم: در اصناف ممکنات
فصل پنجم: در اصناف مطلقات
فصل ششم: در اعتبار اقسام عرفی و مشروط به حسب اعتبار جهات ذاتی
اقسام عرفی مطلق
اقسام مشروط مطلق
اقسام عرفی لامشروط
فصل هفتم: در بیان خصوص و عموم قضایاء مطلقه و موجهه
فصل هشتم: در تناقض موجهات
فصل نهم: در تعریف عکس و بیان عکس مستوی در موجهات
فصل دهم: در عکس نقیض
فصل یازدهم: در اعتبار جهت و نقیض و عکس در قضایاء شرطی
مقالات چهارم	
در علم قیاس و آن را انولوژیقاء اول خوانند
فن اول در قیاس و آن دو قسم است
قسم اول: در تعریف قیاس و اقسامش و بیان قیاسات حملی تنها
فصل اول: در تعریف قیاس
فصل دویم: در انواع قیاسات
فصل سیم: در اجزاء قیاسات و بیان هیات اقتران مقدمات
فصل چهارم: در بیان اشکال حملیات و حال ضروب هر یکی
شكل اول
شكل دویم
شكل سیوم
شكل چهارم
۵۴	۱۰۰
۵۶	۱۰۱
۵۷	۱۰۳
۵۷	۱۰۳
۵۷	۱۰۴
۵۸	۱۰۵
۵۸	۱۰۸
۵۹	۱۰۹
۶۰	۱۱۱
۶۱	۱۱۲
۶۲	۱۱۳
۶۳	۱۱۴
۶۳	۱۱۵
۶۶	۱۲۰
۶۹	۱۲۲
۷۲	۱۲۸
۷۴	۱۳۳
۸۰	۱۳۹
۸۰	۱۳۹
۸۰	۱۴۰
۸۰	۱۴۰
۸۰	۱۴۰
۸۰	۱۴۲
۸۱	۱۴۳
۸۲	۱۴۴
۸۲	۱۴۵
۸۴	۱۴۷
۸۵	۱۴۹
۸۷	۱۵۲

فصل چهارم: در اصناف مخاطبات به حسب اغراض مختلف	
۳۲۵ ۳۹۱ و طریق استعمال هر یک	
۳۲۸ ۳۹۶ فن دویم: در اعداد انواع	
۳۲۹ ۳۹۶ فصل اول: در اعداد انواع متعلق به مشاورات	
۳۴۱ ۳۹۹ فصل دویم: در اشد و اضعف	
۳۴۱ ۳۹۹ فصل سیم: در اعداد انواع متعلق به منافرات	
۳۴۲ ۴۰۰ فصل چهارم: در اعداد انواع متعلق به مشاجرات	
۳۴۵ ۴۰۳ فصل پنجم: در اعداد انواع نافع در تصدیقات غیر صناعی	
فصل ششم: در ذکر افعالات و اخلاق نفسانی که در استدراجات نافع بود	
۳۴۶ ۴۰۴ و اعداد انواع به حسب آن	
۳۵۰ ۴۰۸ فصل هفتم: در اختلاف اصناف	
۳۵۲ ۴۱۰ فصل هشتم: در انواع مشترک و ختم سخن در انواع	
۳۵۵ ۴۱۳ فن سیم: در توابع و آنچه بدان ماند ^۱	
۳۵۵ ۴۱۳ فصل اول: در حال الفاظ	
۳۵۷ ۴۱۶ فصل دوم: در نظم و ترتیب اقاویل خطابی	
۳۵۸ ۴۱۷ فصل سیم: در اخذ به وجود و تقریر انواع آن	
۳۵۹ ۴۱۸ فصل چهارم: در ذکر منازعات و مقاومات خطابی و آنچه بدان متعلق بود	
۳۶۱ ۴۲۱ مقالت نهم	
۳۶۱ ۴۲۱ در شعر و آنرا بیطوريقا خوانند	
۳۶۱ ۴۲۲ فصل اول: در اشارت به ماهیت و منفعت شعر و آنچه به آن تعلق دارد	
۳۶۳ ۴۲۵ فصل دوم: در تحقیق تخیل و محاکات و بیان وجود استعمال آن	
۳۶۴ ۴۲۷ فصل سیم: در احوال الفاظ و اشارت به صنعتهای شعر بر سبیل اجمال	

کتاب خواسته ناصر الدین طوسی است که در تاریخ رجال علم و ادب عصری و پیغمبر از دویس تأسیه آمد. این کتاب در معرفت ادب و ادبیات اسلامی از دو خصوصی راجح باشید و معرفت کنید. خوب است که این کتاب را کتابی از کتابخانه های اسلامی ایرانی است. این کتاب را کتابی از کتابخانه های عقلی از خود بسادگار گذانیده است که هر یکی در مجموع خوب است. این کتاب را معرفت ادبیات و اخلاقی تأثیری دارد. این کتاب را معرفت ادبیات و اخلاقی تأثیری دارد. این کتاب را معرفت ادبیات و اخلاقی تأثیری دارد. این کتاب را معرفت ادبیات و اخلاقی تأثیری دارد. این کتاب را معرفت ادبیات و اخلاقی تأثیری دارد. این کتاب را معرفت ادبیات و اخلاقی تأثیری دارد.

فصل اول: در بیان ماهیت و منفعت جدل و ذکر احوال سائل و محیب	۲۸۵ ۳۲۸
فصل دوم: در ذکر مواضع جدلی و کیفیت انشعب مقدمات از آن	۲۸۷ ۳۳۲
فصل سیم: در اجزای قیاسات و مطالب جدلی و اصناف مواضع	۲۸۸ ۳۳۳
فصل چهارم: در بیان حال مبادی و مسائل و مقدمات و مطالب و قیاس جدلی	۲۹۰ ۳۳۵
فصل پنجم: در ذکر ادوات جدل که ارتیاض با آن مفید ملکه جدلی باشد	۲۹۱ ۳۳۸
فن دوم: در مواضع	۲۹۵ ۳۴۲
فصل اول: در مواضع اثبات و ابطال	۲۹۵ ۳۴۲
فصل دویم: در مواضع اولی و آخر	۳۰۰ ۳۴۷
فصل سیم: در مواضع جنس	۳۰۳ ۳۵۰
فصل چهارم: در مواضع خاصه	۳۰۷ ۳۵۴
فصل پنجم: در مواضع حد	۳۱۰ ۳۵۸
مواضع الفاظ	۳۱۱ ۳۵۸
مواضع تجاوز بر قدر کفايت	۳۱۲ ۳۵۹
مواضع باقی مباحث حد	۳۱۲ ۳۵۹
فصل ششم: در مواضع هوهو	۳۱۶ ۳۶۳
فن سیم: در وصایا	۳۱۷ ۳۶۵
فصل اول: در وصایاء سائل	۳۱۷ ۳۶۵
فصل دویم: در وصایاء محیب	۳۱۸ ۳۶۸
فصل سیم: در وصایای مشترک میان سایل و محیب	۳۲۱ ۳۷۱
مقالات هفتم	۳۲۲ ۳۷۳
در مغالطه و آنرا سوفسٹیقا خوانند	۳۲۲ ۳۷۳
فصل اول: در بیان تبکیت مغالطی و ذکر صناعت مغالطه و منفعت آن	۳۲۳ ۳۷۴
فصل دوم: در حصر اسباب غلط و مغالطه که داخل بود در نفس تبکیت	۳۲۴ ۳۷۶
فصل سیم: در بیان اسباب مغالطه از امور خارجی و ذکر آنچه سایل و محیب را در این صناعت نافع بود	۳۲۷ ۳۸۰
مقالات هشتم	۳۲۹ ۳۸۳
در خطابات و آنرا ریطوریقا خوانند	۳۲۹ ۳۸۳
فن اول: در اصول و قواعد خطابات چهار فصل است	۳۲۹ ۳۸۴
فصل اول: در ماهیت و منفعت خطابات و نسبت آن با صناعت جدل و دیگر صناعات	۳۲۹ ۳۸۴
فصل دوم: در اجزاء خطابات	۳۳۱ ۳۸۷
فصل سیم: در قیاسات خطابی و حال مواد و صور آن	۳۳۲ ۳۸۸

پیشگفتار

آنچه در صفحات بعد از نظر خوانندگان معظم می‌گذرد کتاب «اساس‌الاقتباس» با تعلیقه یا تعلیقه‌گونه‌ایست بر آن تا تعلیقه چگونه تفسیر و تعبیر شود. معلم علیه یعنی «اساس‌الاقتباس» کتابی است مفصل و ممتع در صناعت منطق که طبق اسناد کتابشناسی موجود در تمدن اسلامی کتابی باین تفصیل و دقت در منطق بعد از منطق شفای بوعلی سینا و تفسیر منطق ارسطوی ابن رشد تاکنون نگاشته نشده است.

مؤلف گرانقدر ایرانی این اثر بزرگ در کمال تبحر آن را بزبان پارسی عرضه داشته تا هم برساند که زبان گویای فارسی را توان آن هست که بدقيقترین و باریکترین دقائق ذهنی در قولاب الفاظ و کلمات شیرین خود پردازد بدون آنکه درین قالب‌گیری سر سوزنی بلغزد یا اظهار عجز نماید و هم برساند اگر پایه گذاران فرهنگ اسلامی بیشتر فرأوردهای ذهنی خود را بلسان تازی عرضه کرده‌اند نه بزبان پارسی، همانا بزرگداشت زبان قرآن بوده است نه عجز و لنگی زبان پارسی.

کتاب اساس‌الاقتباس بدین ترتیب در قالب زبان پارسی به نیکوترين انسجام تأليف شد و در رسائی تأليف به آن‌گونه است که در پاره‌ای از مباحث خود پهلو به پهلوی منطق شفا میزند و بی‌شبه منطق صورت اين کتاب واجد تراوشاهی ذهنی ژرفی است که از بسی نظائر آن بلندتر و برتر در رتبه است و در منطق ماده یعنی در صناعات خمس نیز گرچه ملاک کار نویسنده منطق شفاست ولی در تحاذی گام بگامی با شفاباز آشنايان بهر دو بخوبی نقش مؤلف را بوجه خاص در آن بعیان می‌بینند و متوجه می‌شوند که مؤلف ارجمند آن در پرداخت این اثر مقلد صرف نبوده است. از آنجا که اصل کتاب در برابر خواننده است هر بحث اضافی درباره آن بظاهر القاء‌نظر و بازداشتمن پژوهنده است از اظهارنظر خود. او خود خواهد خواند و آزادانه درباره آن نظر خواهد داد لذا از هر سخن فزون دیگر درین باره درمی‌گذریم و در پی نویسنده آن می‌شویم و بقول طلاب یکی دیگر از روؤوس ثانیه آن.

نویسنده کتاب خواجه نصیرالدین طوسی است که در تاریخ رجال علم و ادب بحدی رفیع مرتبه است که هر توضیحی راجع باو بی‌شبه بوصوف کشیدن خورشید است: «فارغ است از مدح و تعریف آفتاد». او که از درخشانترین ذهنی‌ایرانی است نه تنها این کتاب بلکه آثار بس گرانبهاتری در دانشهاي عقلی از خود بیادگار گذاشته است که هر یک در حوزه خود بس نامدارند چون تحریر اقليدس و اخلاق ناصری.

عظمت علمی خواجه بآن درجه است که هر تاریخ رجال اندیشه‌نویسی محال است که

بیاد پدر فقیدم که تاکیدها بر خواندن این کتاب می‌کرد ولی افسوس....

تعليقه بر اساس الاقتباس خواجہ نصیر الدین طوسی

٢. تعليقه

سید عبدالله انوار



پیشگفتار تعلیقه

آنچه در صفحات بعد می‌آید همان تعلیقه یا تعلیقه‌گونه‌ایست که در مقدمه متن اصلی اساس‌الاقتباس سخن از آن رفت. گرچه تعلیقه‌نویسی بر کتابی چون اساس‌الاقتباس منطق‌دانی چون خواجه نصیر می‌خواهد نه هر صاحب بضاعت مزجاتی ولی از آنجا که مور را رخصت است تا هدیه نزد سلیمان برد و آن گستاخی نباشد تعلیقه‌نویسی کم بضاعتی بر کتاب اساس‌الاقتباس نیز همان حکم هدیه مور به نزد سلیمان را دارد و وصف گستاخی به خود نمی‌گیرد. چه کتاب اساس‌الاقتباس همان‌طور که در مقدمه آمد یکی از کتب پر حجم منطق در فرهنگ اسلامی است که جز کتب منطقی «شفا» شیخ الرئیس و «منطق شرح ابن رشد» بر رسائل منطقی ارسسطو کتب منطقی دیگر در کمیت با آن همسنگی نمی‌نمایند و در کیفیت هم اگر بگوئیم در پاره‌ای از موضع آن برمه آن کتب برتری دارد گزافه‌ای نگفته‌ایم بربین تعریر؛ از آنجا که مدون منطق بنا بر مشهور ارسسطو است و ارسسطو هم در همه امور قائل به دو جزء خارجی ماده و صورت است، در منطق هم که آن امریست از امور او دو جزء دید و بر پایه این دو جزء بنیان کار خود را گذاشت. او در یک جزء ماده منطقی را در تحت «صناعات خمس» بیحث کشید و در جزء دیگر از صورت منطقی تحت «معرف» و «حیجت» و ملحقات آن سخن گفت. بعد از او هم همین تقسیم ارسسطو متبع شد و منطق‌دانها نیز بر همان روش او رفتند و کتاب اساس‌الاقتباس هم بربین طریق رفت.

در «صناعات خمس» اگرچه این کتاب از حیث مطلب کوتاه‌تر از شفاست ولی در قسمت صورت در پاره‌ای از موضع فرونی بر شفا و شرح ابن رشد دارد تا چه رسید بر کتب دیگر. البته در ضمن باید بگوئیم بحث اصیل هم همان بحث صورت است نه بحث ماده چنانکه در همه امور دیگر متقوم ماده‌ها صورت‌هایند. درین کتاب ما به روشنی می‌بینیم که خواجه با نهایت دقت باب «معرف» را از همه جوانب و بدون کوچکترین غفلتی شرح می‌دهد و بدون ذره‌ای امساك باب الفاظ را که از لواحق باب معرف است می‌آورد و آنهم نه بصورت پریشان و در هم بلکه مطالب را به ترتیب منظم و بر پایه تقسیم حصر عقلی ردیف می‌کند و ارائه می‌دهد، و چون از آن‌ها فارغ می‌آید به «حمل» که از امehات منطق است با دقیق خاص. معرفت‌شناسی (Epistemologique) می‌پردازد و با بیان انواع حمل به «کلیات» و اقسام آن می‌رسد و با تبیین آنها به سراغ «کلیات خمس» می‌رود و با چیرگی هر چه تمامتر نکات ریز این کلیات را عرضه می‌کند و چون مبحث معرف با ملحقاتش را خاتمه یافته شده می‌بیند بسوی «قضايا» می‌رود و درین گذار هم سری استطراداً ولی در نهایت کمال به «مفهوم‌های عشر» می‌زند و در آنجا نشان